

گزارش صنعت بانکداری

تهیه کننده: جواد سنگیان

مقدمه

صنعت بانکداری یک صنعت قدیمی، تحت نظارت دولت و کم تحرک است، ولی روندهای اخیر جهانی به خصوص مقررات زدایی، توسعه تکنولوژی اطلاعات و اینترنت، کسب و کار و افق های جدیدی را به روی این صنعت گشوده است. بانکها در اقتصادهای امروزی در نقش زیربنا ظاهر می شوند. آن ها از طریق جمع آوری سپرده ها، انتقال ریسک، تامین نقدینگی، تسهیل انجام معاملات عمده و تهیه اطلاعات مالی برای افراد و بنگاه ها، نقش خود را ایفا می کنند.

همچنین بانکداری، صنعت بسیار تخصصی و مشکلی است. مدیریت بانک قبل از تصمیم گیری در این خصوص که چه مبلغ تسهیلات (وام) به چه کسی و با چه نرخ اعطا کند، باید معیارهای زیر را در نظر بگیرد:

- ۱- کفایت سرمایه و نقش سرمایه که عموماً براساس الزامات بانک مرکزی تعیین می شود.
- ۲- مدیریت دارایی ها و بدهی ها که به ارتباط بین دارایی ها (تسهیلات) و بدهی ها (عمدتاً سپرده ها) و چگونگی ایجاد تعادل بین آن ها به منظور کسب سود توجه دارد.
- ۳- ریسک نرخ بهره که چگونگی تاثیر نرخ بهره بر سودآوری را نشان می دهد.
- ۴- نقدینگی که به عنوان نسبت وام ها به کل دارایی ها تعریف می شود. معمولاً اگر این نسبت بیش از ۷۰ درصد باشد، وضعیت نقدینگی ضعیف ارزیابی می شود.
- ۵- کیفیت دارایی ها که به احتمال نکول (عدم وصول) دارایی ها (وام ها) مربوط است. هرچه قدر احتمال وصول و بازیافت دارایی ها بیشتر باشد، کیفیت آن ها بالاتر ارزیابی می شود.
- ۶- سودآوری که شامل سود و رشد آن، بازده دارایی ها و بازدهی سرمایه است.

شاید بزرگ ترین وجه تمایز صنعت بانکداری با دیگر صنایع، دخالت شدید دولت (در همه کشورها) در آن باشد. دولت (بانک مرکزی) علاوه بر وضع محدودیت در خصوص سقف تسهیلات (وام ها)، مبلغ نقدینگی که بانک باید در خزانه خود نگهداری کند، نرخ سپرده قانونی، سقف های سرمایه گذاری و خرید منقول را تعیین می کند که تاثیر زیادی بر سودآوری بانک ها دارد.

طبقه بندی صنعت بانکداری

در حال حاضر مؤسسات پولی عمده در ایران را به سه گروه زیر می توان طبقه بندی کرد:

- ۱- بانک ها که شامل ۸ بانک دولتی (سه بانک تجاری و پنج بانک تخصصی)، ۱۷ بانک غیر دولتی و یک بانک قرض الحسنه است.
- ۲- مؤسسات اعتباری غیربانکی که شامل مؤسسات اعتباری توسعه، بنیاد، قوامین، عسگریه و مهر است و تنها موسسه اعتباری توسعه دارای مجوز از بانک مرکزی است.
- ۳- صندوق های قرض الحسنه و تعاونی های اعتبار که تعداد ۷ صندوق قرض الحسنه و ۸۸۴ تعاونی اعتبار دارای مجوز از بانک مرکزی در کشور وجود دارد.

در صنعت بانکداری کنونی، بازیگران اصلی به شرح زیر هستند:

- ۱- بانک های دولتی که به تجاری و تخصصی به شرح زیر تقسیم می شوند:
 - الف - بانک های تجاری: بانک های ملی، سپه و پست بانک.
 - ب - بانک های تخصصی: بانک های مسکن، توسعه صادرات، صنعت و معدن، کشاورزی و توسعه تعاون
- ۲- بانک های غیر دولتی شامل اقتصاد نوین، پارسیان، کارآفرین، سامان، پاسارگاد، سرمایه، سینا، تات، شهر، دی، انصار، تجارت، رفاه کارگران، صادرات ایران، ملت، حکمت ایرانیان و گردشگری.
- ۳- بانک قرض الحسنه مهر ایران به عنوان تنها بانک قرض الحسنه در کشور.

اصطلاحات و نسبت های کلیدی صنعت بانکداری

نرخ سود

در اکثر کشورها از جمله ایران، حدود نرخ های سود توسط بانک مرکزی (شورای پول و اعتبار) تعیین می شود. از آن جا که نرخ های سود مستقیماً بر بازار اعتبارات (وام ها) تاثیر دارد، بانک ها به طور مستمر باید جهت نرخ های سود را پیش بینی کنند تا بتوانند به موقع نرخ های خود را تعدیل کنند نوسان نرخ بهره نقش عمده ای در سودآوری بانک دارد. بنابراین بانک ها سعی می کنند منابع درآمد خود را متنوع سازند که یک روش آن ارایه خدمات کارمزدی است.

شکاف تسهیلات و سپرده ها (Spread)

این اصطلاح تفاوت بین وام های اعطایی و سپرده های دریافتی را بیان می کند. شکاف منفی زمانی وجود دارد که سپرده های آزاد (کل سپرده ها به کسر سپرده قانونی و حداقل نسبت نقدینگی) بیشتر از وام های اعطایی باشد. شکاف مثبت به معنی بزرگ تر بودن مبلغ تسهیلات از مبلغ سپرده ها اشاره دارد که مطلوب است ولی ریسک (نوسان) نرخ بهره که به معنی نرخ های سود در بازارهای مختلف می باشد و متاثر از عوامل مختلفی است نباید نادیده گرفته شود.

کفایت سرمایه (Capital Adequacy)

سرمایه بانک یا حقوق صاحبان سرمایه، حاشیه ای برای پوشش اعتباردهندگان (عمدتاً سپرده گذاران) است. نسبت کفایت سرمایه حاصل تقسیم سرمایه پایه به مجموع دارایی های موزون شده بر حسب ضرایب ریسک است. حداقل نسبت کفایت سرمایه براساس الزامات قانونی تعیین می شود. این نسبت در حال حاضر هشت درصد است. بر مبنای همین درصد، گفته می شود بانک ها تا ۱۲,۵ برابر سرمایه شان می توانند تسهیلات اعطا کنند. البته این سقف برای بانک تخصصی مسکن با توجه به ضریب ریسک وام مسکونی ۲۵ برابر است و باید به خاطر داشت که این امر فقط در صورتی محقق می شود که بانک سپرده جذب کرده باشد. استفاده گسترده از وام موجب ایجاد اهرم برای بانک ها می شود.

معیار سلامت مالی بانک ها، کفایت سرمایه است. اگر بانک مشکلاتی در رعایت نسبت کفایت سرمایه داشته باشد، باید از طریق افزایش سرمایه و یا کاهش دارایی ها (عدم اعطایی تسهیلات جدید) اقدام کند که حالت اخیر به سودآوری بانک آسیب خواهد رساند.

بازده ناخالص سود

بازده ناخالص سود حاصل تقسیم کل درآمد مالی بر کل دارایی های درآمدزا می باشد. این نسبت بیان می کند که از دارایی های وامی چه بازدهی عاید شده است.

نرخ های پرداختی بابت وجوه (Rates Paid on Earning)

کل هزینه مالی (سود سپرده گذاران و هزینه سایر بدهی ها نظیر اوراق مشارکت) تقسیم بر کل تسهیلات اعطایی (دارایی های درآمدزا) این نسبت متوسط نرخ بهره ای که بانک با توجه به تسهیلات اعطایی پرداخت می کند را نشان می دهد.

حاشیه خالص درآمد مالی

این نسبت از تقسیم تفاوت درآمد مالی و هزینه مالی به کل تسهیلات اعطایی (دارایی های درآمدزا) محاسبه می شود. این نسبت نشان می دهد که متوسط حاشیه سود بانک از بابت دریافت سپرده (استقراض) و اعطای وام چقدر است. یک رقم کلیدی برای ارزیابی مدیریت، حاشیه خالص مالی و روند آن است. روند یکنواخت و یا افزایشی ایده آل است. در بیشتر بانک ها حاشیه خالص مالی بین دو تا پنج درصد است که ممکن است کم به نظر رسد، ولی باید توجه داشت که حتی تغییری در حد یک هزارم نسبت به سال قبل می تواند تغییر بزرگی را در سود ایجاد کند.

نرخ بازده دارایی های بانک (ROA):

هنگام محاسبه ROA باید توجه داشت که بانک ها شدیداً متکی به اهرم (سپرده ها) هستند (حداقل نسبت کفایت سرمایه هشت درصد است) و یک ROA یک درصد نیز می تواند نشان دهنده سود زیاد باشد. در این زمینه اکثر سرمایه گذاران از مقایسه ROA بانک ها و شرکت ها به اشتباه می افتند، ولی باید به خاطر داشت که در این زمینه امکان مقایسه وجود ندارد.

بسیاری از بانک ها درآمدها را به دو گروه کارمزد خدمات و بهره (سود تضمین شده) تقسیم بندی می کنند. بنابراین لازم است منابع درآمدی مورد تحلیل قرار گیرد. معمولاً بانک هایی که درآمد خدمات بیشتری دارند، بازدهی دارایی های آن ها نسبت به رقبا بالاتر است.

نکات قابل توجه در تجزیه و تحلیل صنعت بانکداری

طبق مدل پورتر دلایلی که باعث تفاوت در موفقیت و سودآوری صنایع می شود شامل پنج عامل؛ تهدید تازه واردان، قدرت تامین کنندگان، قدرت مشتریان، کالای جانشین و رقابت است. از این مدل به طور گسترده در تجزیه و تحلیل صنایع استفاده می شود. عوامل مذکور در صنعت بانکداری به شرح زیر تحلیل شده است:

۱. تهدید تازه واردان:

رقبای تازه وارد معمولاً با هدف کسب سهم بازار وارد یک صنعت می شوند. اما تهدید ورود رقبای جدید بستگی به موانع حاضر برای ورود و واکنش رقبای موجود دارد. اگر این موانع زیاد و واکنش رقبای موجود ضعیف باشد، می توان انتظار داشت که این ورود آسان باشد.

موانع ورود رقبای تازه وارد در صنعت بانکداری:

الف- تمایز محصولات و خدمات :

شرکتهای تثبیت شده در بازار دارای برند شناخته شده و اعتماد مشتری هستند که ریشه در تبلیغات گذشته، خدمت دهی به مشتریان و تنوع محصول دارد. پس تازه واردین برای تامین علائق و جذب مشتریان مجبورند هزینه های فراوانی را صرف کنند. از سوی دیگر این امر به زمان نسبتاً طولانی نیاز دارد. این زمان در صنعت بانکداری به دلیل نیاز به اعتماد سازی که به لحاظ ماهیت مقوله ای زمان بر است به نسبت طولانی تر از دیگر صنایع هم خواهد بود. این مانع، در صنعت بانکداری مهمترین مانع بر سر راه ورود شرکتهای تازه وارد محسوب می شود.

ب- نیاز به سرمایه:

نیاز به حجم زیادی از منابع مالی برای سرمایه گذاری در مسیر رقابت، خود نوعی مانع محسوب می شود. این سرمایه اگرچه در بسیاری موارد موجود است، اما بسیاری از شرکتهای به دلیل ریسک بالای برگشت پذیری آن برای ورود به صنعت احتیاط زیادی به خرج می دهند. در چند سال اخیر استقبال شدید مردم از پذیره نویسی بانکهای تازه تاسیس نشان دهنده این موضوع است که سرمایه مانع جدی محسوب نمی شود.

ج- هزینه های تغییر:

اگر مشتریان هر بار خدمات مورد نیاز خود را از یک بانک دریافت کنند، نیازمند هزینه های اضافی هستند و در صورتی که اگر خدمات خود را تنها از یک بانک دریافت کنند هزینه های کمتری را متحمل خواهند شد. مشتریان برای مزیت های کوچک دیگر رقبا به ندرت به تغییر بانک خود دست می زنند، یعنی هزینه های شناخته شدن،

یادگیری فرآیندهای بانک جدید، آرامشی که در مواجهه های خدماتی گذشته داشته اند و ... را با هر امتیازی عوض نمی کنند پس تازه واردین باید چنان ساختار هزینه و عملکردی داشته باشند که تغییر را برای مشتری توجیه کنند که این امر یک بار در زمان ورود بانکهای خصوصی به عرصه بانکداری و در حوزه بهبود عملکرد اتفاق افتاد و سهم قابل توجهی را نصیب آنها کرد، اما بر کسی پوشیده نیست که به دلیل نزدیک بودن فرآیندهای کاری و خدمات مشابه و جابجایی کارکنان و مدیران شعب به خصوص در بانکداری خصوصی این هزینه هم برای تازه واردین قابل جبران خواهد بود و می تواند موانع ورود آنها را از سر راه بردارد.

د- خسارت های هزینه (مستقل از مقیاس):

شرکتهای فعال در یک صنعت ممکن است با نوعی مزیت هزینه روبه رو باشند که برای تازه واردین قابل حصول نباشد. از این دسته می توان به فناوری های انحصاری (که در بانکداری این فناوری ها کمتر دیده می شود) و موقعیت مکانی مناسب یا سپرده های دولتی اشاره کرد. موضوع بعد منحنی یادگیری یا تجربه هاست. در بعضی از کسب و کارها شرکتها با افزایش انباشت تجربه با روند رو به کاهش هزینه های متوسط روبه رو می شوند. این امر بدان دلیل است که کارکنان روشهای کار خود را بهبود می بخشند (یادگیری صورت می گیرد) طرحها توسعه می یابد، عملکردها بهبود می یابد، تکنیکها بهتر می شوند و...

کاهش هزینه ناشی از افزایش تجربه در کسب و کارهایی که با فعالیتهای زیاد و حساس و دقیق سروکار دارند یکی از مهمترین عوامل تعیین کننده برای بالا بردن هزینه های ورود تازه واردین است. درصنعت بانکداری اگر این تجربه ها به صورت انحصاری حفظ شوند مانعی برای ورود رقبا می شوند، این در حالی است که تازه واردین با جذب مدیران و افراد با تجربه به سرعت این هزینه را کاهش می دهند. در این میان تنها افراد اند که هزینه جذب بیشتری را به سازمان جدید تحمیل می کنند بدون اینکه معنای رقابت در بین بانکها شکل گیرد. به عنوان مثال، افراد با سالها تجربه و شناخت کامل بانک فعلی در بانک دیگری مشغول به کار شده و تمام تجربیات و ... را به بهای حقوق و پست بالاتر در اختیار بانک جدید قرار می دهند از سوی دیگر قابلیت کپی شدن و خرید دانش و نرم افزارهای فنی از شرکتها و مشاوران هم این هزینه را به شدت کاهش داده است. پس اگرچه این مانع از پتانسیل بالایی برای بالا بردن هزینه های تازه واردین برخوردار است به دلیل نبود تفکر رقابت در بین بانکداران عملا کارکرد موثری در ایجاد مانع برای ورود تازه واردین محسوب نمی شود.

ه- سیاستهای دولت:

دولت می تواند با اتخاذ سیاستهایی ورود به صنایع را محدود کند. به عنوان مثال، با وجود آمادگی بسیاری از تازه واردین خارجی برای حضور در صنعت بانکداری ایران هنوز دولت مجوزی برای فعالیت آنها صادر نکرده و مانعی جدی برای حضور آنها فراهم آورده است.

به نظر می رسد در صنعت بانکداری کشور موانع حضور برای تازه واردین داخلی کم اما برای تازه واردین خارجی هنوز سنگین است.

واکنش رقبای موجود در صنعت بانکداری:

با نگاهی به گذشته می توان دریافت که با توجه به جذابیت‌های صنعت بانکداری و عدم واکنش‌های جدی از سوی بانک‌های فعال در کشور، انتظار واکنش از سوی فعالین در این صنعت بسیار ضعیف است. چرا که به دلیل ضعف تفکر رقابتی در مدیران بانکی کشور، شاهد واکنش‌های اساسی برای محدود کردن ورود رقبای جدید نیستیم. از طرفی این رقبای جدید برای بسیاری از مدیران بانکی که بسیار سیال هستند فرصت است و نه تهدید همچین می توان دیدگاه دولتی و غیر رقابتی مدیران ارشد بانکها، نبود تفکر بلند مدت و این نگاه که تازه واردین در کوتاه مدت نمی توانند مشکلی را برای بانک‌های موجود ایجاد کنند و... را از عوامل این عدم واکنش دانست.

۲. قدرت نامین کنندگان

تامین کنندگان می توانند شرکتهای درون یک صنعت را با افزایش قیمت‌ها یا کاهش کیفیت تهدید کنند. تامین کنندگان قادرند سودآوری را برای شرکتهایی که قادر به تامین هزینه های افزوده شده نیستند از میان ببرند.

اگر شرایطی مانند شرایط زیر برقرار باشد تامین کنندگان می توانند قدرت خود را به رخ بکشند:

۱- اگر تامین کنندگان معدود بوده و نسبت به شرکتهای فعال در صنعت متمرکزتر باشند. ۲- اگر تامین کننده مجبور نباشد برای ارایه محصول و خدمات خود با دیگر محصولات و خدمات رقابت کند ۳- اگر محصول تامین کننده درون داد مهمی برای کسب و کار خریدار به شمار بیاید. ۴- اگر محصول تامین کننده تمایز و تنوع داشته و هزینه جابه جایی به شرکت های درون صنعت تحمیل کند و...

سپرده گذاران از جمله تامین کنندگان اصلی محسوب می شوند که قدرت چانه زنی آنها در سودآوری این صنعت حرف اول را می زند. این نیرو جزو معدود نیروهای اثرگذاری است که توجه مدیران بانکی را به خود مشغول داشته است. چنان که بسیاری از رقابت‌های موجود در این صنعت حول محور این نیرو متمرکز شده اند. نکته قابل توجه در مورد تامین کنندگان سپرده بانک های خصوصی، نقش مؤسسان و سهام داران حقوقی آنها است که بر توان مالی بانک تاثیر مستقیم دارد.

نیروی انسانی متخصص بانکی با توجه به پرداخت های بالاتر بانک های خصوصی، قدرت چانه زنی دارند ولی با توجه به سهم پایین هزینه های حقوق و دستمزد افراد کلیدی از مجموع هزینه های بانک ها، این نیروها نمی توانند سود بالقوه یک صنعت را از طریق چانه زنی از میان بر دارند.

تامین کنندگان تکنولوژی اطلاعات و فن آوری بانکی قدرت چانه زنی بالایی دارند. با توجه به نقش ارزنده تکنولوژی اطلاعات و فن آوری های نوین در افزایش توان رقابتی و سودآوری بانک ها، هزینه های بانک ها در این بخش می تواند قابل توجه باشد.

۳. قدرت مشتریان

مشتریان در تلاش برای کاهش قیمت و افزایش کیفیت محصولات مورد نیاز خود در صنعت رقابت ایجاد می کنند و با قدرت چانه زنی خود سودآوری صنعت را تحت تاثیر قرار می دهند. آنها حتی به صورت مستقیم و غیر مستقیم شرکتهای حاضر در یک صنعت را بر علیه هم بر می انگیزانند. البته واضح و مبرهن است که قدرت این خریداران یکسان نیست. عوامل زیر در بالا بردن توان چانه زنی خریدار موثر است: ۱- حجم خرید بالا ۲- نقش و درصد سهم محصولات صنعت در ساختار هزینه و خریدهای خریدار ۳- عدم تمایز خاص یا تنوع محصولات خریداری شده به طوری که جایگزینی آنها با دشواری همراه باشد. ۴- تغییرات هزینه ای کم برای خریدار ۵- تهدید به ادغام رو به عقب خریداران؛ یعنی خودشان محصول را تولید کنند و بر همین مبنا درخواست تخفیفات بیشتری کنند. ۶- نقش ضعیف خدمات و محصولات در کیفیت محصولات خریداری شده و ۷- اطلاعات کافی و به موقع خریداران

بنابراین شرکتهای با انتخاب خریدارانی که کمترین قدرت انتخاب را دارند توان چانه زنی را بهبود می بخشند.

اما در صنعت بانکداری خریداران شرکتهای و افرادی هستند که خدمات بانک را مورد استفاده قرار می دهند و این خدمات طیف وسیعی از خدمات ریالی و ارزی، تامین منابع مالی، مشاوره های مالی و سرمایه گذاری و ... را شامل می شود. نکته قابل توجه آنکه علی رغم حجم خرید بالای محصولات، به دلیل کیفیت محصولات بانکی در بالا بردن هزینه تغییر بانک برای خریداران، عملاً فشار قابل توجهی از سوی خریداران به صنعت بانکداری وارد نمی آید. اگرچه این امر برای صنعت بانکداری خوشایند است و فشار کم مشتریان منجر به ایجاد تفکری استراتژیک در بین مدیران بانکها در این خصوص نگردیده است اما بی شک بی توجهی و نبود تفکر بهره گیری از این فرصت به معنی بهره برداری موثر از آن نیست. صرفاً بانک ها به شرکت های بزرگ و برخی از مشتریان حقیقی که قدرت چانه زنی بالاتری نسبت به سایر مشتریان دارند، خدمات بهتری ارائه می کنند.

۴. کالای جانشین:

تمامی شرکتهای موجود در یک صنعت با صناعی که محصولات جایگزین تولید می کنند در رقابت هستند. محصولات جایگزین با ایجاد سقفی برای قیمت‌هایی که شرکت ها می توانند با هدف سودآوری برای محصولات خود معین کنند پا به عرصه می گذارند. بدیهی است هر چه این قیمت مناسب تر باشد محدودیتهای ایجاد شده در صنعت پایدارتر خواهد بود. شناسایی محصولات جایگزین نیازمند جستجو موشکافانه برای محصولاتی است که می تواند عملکردی مشابه داشته باشند. این جستجوی موشکافانه حتی ممکن است شرکت را به مرزهای صناعی ببرد که در نگاه اول هیچ ربط و نسبتی با محصولات صنعت ندارند، اما از پتانسیل های خاصی برای جایگزینی برخوردارند.

کالای جانشین در صنعت بانکداری زیاد است که می توان به موارد زیر اشاره نمود:

✓ شرکت های تعاونی اعتبار، صندوق های قرض الحسنه، شرکت های لیزینگ و شرکتهای تامین سرمایه بخشی از نیازهای تامین مالی مصرف کنندگان را تامین می کنند. عدم توفیق بانک مرکزی در اعمال نظارت بر تعاونی های اعتبار و صندوق های قرض الحسنه و سیاست های دولت جدید درخصوص گسترش صندوق های قرض الحسنه، می تواند بر فعالیت بانک ها تاثیر منفی داشته باشد.

✓ اشخاص حقوقی می توانند از طریق افزایش سرمایه، خرید اقساطی ماشین آلات و تجهیزات و خدمات و محصولات جدید ارایه شده در بورس اوراق بهادار همچون صدور اوراق مشارکت، اوراق اجاره (صکوک) و ... بخشی از نیازهای مالی خود را تامین کنند.

✓ شرکت های بزرگ برای فروش محصولاتشان، شرکت لیزینگ ایجاد کرده اند و یا راسا اقدام به فروش اقساطی می کنند که در مورد، خودرو، لوازم خانگی و حتی ماشین آلات تولیدی این امر صادق است.

✓ بازار بورس، ارز و فلزات گرانبها و ... جایگزین بالقوه و بالفعل محصولات بانکی محسوب می شوند

فشار کالای جانشین یک تهدید جدی برای سودآوری بانک ها تلقی می شود.

۵. رقابت:

دلیل رقابت بین رقبای موجود به طور معمول به ۲ اصل بر می گردد: یکی اینکه این سازمانها احساس فشار می کنند و دیگری اینکه احساس می کنند فرصتهایی برای پیشرفت برایشان فراهم شده است. به عنوان مثال، بانکهای دولتی با نگاه اول و خصوصی ها با نگاه دوم دست به رقابت می زنند. این رقابت البته مانند چاقویی ۲ لبه است که می تواند همه را دچار درد سر سازد یا اینکه موجب پیشرفت کل صنعت شود. بدین

معنی که رقابت شدید هم می تواند سودآوری را تضعیف کند، هم می تواند با رشد پتانسیلهای صنعت زمینه سودآوری را فراهم آورد. یکی از معمول ترین دردرس های رقابت در بین رقبای موجود جنگ قیمتهاست که توان سوددهی یک صنعت را به شدت تضعیف می کند. مبارزات تبلیغاتی هم جنبه دیگری از این رقابت است که ممکن است سطح تنوع خدمات و محصولات را به نفع همه شرکتهای آن صنعت افزایش دهد. در کل باید گفت این رقابت معمولاً با استفاده از تاکتیک هایی چون مبارزه بر سر قیمت، مبارزات تبلیغاتی، معرفی محصولات یا افزایش سطح خدمات صورت می گیرد که در هر صنعتی می تواند مثبت یا منفی باشد.

رقابت درون بانک ها چندان جدی نیست. نوع خدمات و نرخ ها برای هر گروه از بانک های دولتی یا خصوصی تقریباً مشابه است. و به نظر می رسد بازار به نوعی بین بانک های خصوصی و دولتی تقسیم شده است و این روزها بانکهای کشور به شدت به بازی سهم بری مشغول اند. یکی از دلایل شروع این بازی رشد کند صنعت برای شرکتهایی است که به دنبال توسعه هستند که این نیاز به توسعه در بانکهای خصوصی بیشتر دیده می شود. بر همین مبنا شاهدیم که جنگ سهم بری در میان آنها بسیار سخت تر از بانکهای دولتی در جریان است، اما با همه این احوال در بانکداری تغییر یا تمایز چندان تجربه نشده است. مطمئناً بانک هایی که خدمات کارمزدی خود را گسترش دهند و استراتژی تمایزسازی را دنبال کنند، موفقیت بیشتری خواهند داشت

نکته شایان ذکر آن است که عواملی که شدت رقابت را تعیین می کنند ممکن است دچار تغییر شوند. نمونه بسیار عادی آن رشد صنعت است. همان طور که می دانیم هرچه صنعت بالغ تر باشد نرخ رشد آن کاهش می یابد که این امر منجر به تشدید رقابت، سود کاهنده و تحولات اساسی می شود. اگرچه یک شرکت باید خود را با عوامل زیادی که شدت رقابت را در یک صنعت تعیین می کنند تطبیق دهد، اما شرکتها از آزادی عمل نیز برخوردارند که البته این آزادی عمل از طریق تغییرات استراتژیک فراهم می آید.

فرصتها و چالشهای پیش روی صنعت بانکداری در سال جاری (با توجه به ابلاغ بسته جدیدی سستی و نظارتی)

صنعت بانکداری همانند سایر صنایع دارای ریسک های مختلفی است که از آن جمله می توان به ریسک اعتباری یا احتمال عدم برگشت اصل و فرع تسهیلات ارایه شده، ریسک نقدینگی یا عدم توانایی نقدینگی در تأمین نیازهای متقاضیان وام یا دارندگان سپرده و ریسک عملیاتی مانند اختلاس اشاره کرد. ریسک نوسان ارز و ریسک نوسان نرخ بهره و ریسک حقوقی نیز از جمله سایر ریسک های مترتب به این صنعت بشمار می روند.

در کشور ما مشکلاتی از قبیل تحریم ها تأثیرات منفی در مبادلات تجاری و در نهایت صنعت بانکداری گذاشته است. سیاست های خارجی و سیاست های تکلیفی دولتی مهمترین چالش های این صنعت در مقطع فعلی هستند.

بانک مرکزی در سالهای گذشته سیاست تعیین نرخ سود بانکی پایین تر از میزان اعلام رسمی تورم را دنبال نموده است و با ابلاغ بسته های سالانه سیاستی و نظارتی به بانکها نرخ سود علی الحساب پرداختی به سپرده ها را هر سال کاهش داده است.

در جدول زیر نرخ سود علی الحساب سپرده های مختلف در سالهای گذشته و سال ۱۳۹۰ آورده شده است:

نرخ سود علی الحساب سالانه سپرده های سرمایه گذاری بانکها				
عنوان	سال ۱۳۹۰	سال ۱۳۸۹	سال ۱۳۸۸	سال ۱۳۸۷
سپرده سرمایه گذاری کوتاه مدت عادی (از یک ماه تا کمتر از ۳ ماه)	--	۶	۹	
سپرده های سرمایه گذاری کوتاه مدت بیشتر از ۳ ماه و کمتر از ۶ ماه	۶	۸		
سپرده های سرمایه گذاری کوتاه مدت بیشتر از ۶ ماه و کمتر از ۹ ماه	۸	۱۱	۱۲	
سپرده های سرمایه گذاری کوتاه مدت بیشتر از ۹ ماه و کمتر از یک سال	۱۰			
سپرده های سرمایه گذاری یک ساله	۱۲,۵	۱۴	۱۴,۵	شناور
سپرده های سرمایه گذاری دو ساله	۱۳	۱۴,۵	۱۵,۵	
سپرده های سرمایه گذاری سه ساله	۱۴	۱۵	۱۶	
سپرده های سرمایه گذاری چهار ساله	۱۴,۵	۱۶	۱۷	
سپرده های سرمایه گذاری پنج ساله	۱۵	۱۷	۱۷,۵	

با توجه به اینکه نقدینگی در اقتصاد به مجموع پول و شبه پول اطلاق می شود و به جز درصد کمی که شامل اسکناس و مسکوکات در دست مردم است عمدتاً در سیستم بانکی جریان دارد در نتیجه تغییرات نرخ سود سپرده ها صرفاً می تواند ترکیب بین پول و شبه پول یعنی ترکیب نوع سپرده ها را تغییر دهد.

تأثیر این سیاست از جنبه های ذیل بر صنعت بانکداری قابل بررسی است:

✓ با توجه به اینکه سپرده های مدت دار عمدتاً در دست مردم ریسک گریز است کاهش نرخ سود سپرده ها نمی تواند این نوع از نقدینگی را به سمت سایر بازارها (بازار سرمایه، مسکن، سکه و...) و افزایش قابل توجه سهم سپرده های جاری از نقدینگی سوق دهد.

✓ با توجه به سیاستهای دولت و بانک مرکزی نقدینگی در سالهای گذشته رو به رشد بوده است و این بدان معنی است که مجموع سپرده های بانکها نه تنها کاهش نیافته بلکه افزایش نیز یافته است. تاثیر این موضوع را می توان در ترکیب سپرده های جذب شده بانکهای مختلف بین سالهای ۱۳۸۷ تا ۱۳۸۹ که نرخ سود سپرده ها کاهش داشته است مشاهده نمود.

✓ کاهش نرخ سود سپرده ها از طرفی سبب کاهش سود پرداختی و کاهش هزینه های بانکها خواهد شد و از طرف دیگر افزایش احتمالی سهم سپرده های جاری نسبت به سایر سپرده ها (ناشی از این سیاست)، برای بانکها که تمایل به جذب سپرده های جاری بیشتری نسبت به سایر سپرده ها دارند سبب جذب اینگونه سپرده های کم هزینه و نسبتاً رسوب دار به نفع بانکها خواهد بود.

در جدول زیر نسبت سپرده قانونی سپرده های مختلف در سالهای گذشته و سال ۱۳۹۰ آورده شده است:

نسبت سپرده قانونی سپرده های مختلف				
سال ۱۳۸۷	سال ۱۳۸۸	سال ۱۳۸۹	سال ۱۳۹۰	نوع سپرده
۱۰,۰	۱۰,۰	۱۰,۰	۱۰	قرض الحسنه پس انداز
۲۰,۰	۱۷,۰	۱۷,۰	۱۷	سپرده های دیداری و سایر
۱۷,۰	۱۶,۰	۱۵,۵	۱۵,۵	سپرده های سرمایه گذاری کوتاه مدت
۱۷,۰	۱۵,۰	۱۵,۰	۱۵	سپرده های سرمایه گذاری یک ساله
۱۵,۰	۱۳,۰	۱۱,۰	۱۱	سپرده های سرمایه گذاری دو و سه ساله
۱۳,۰	۱۲,۰	۱۰,۰	۱۰	سپرده های سرمایه گذاری چهار ساله
۱۱,۰	۱۰,۰	۱۰,۰	۱۰	سپرده های سرمایه گذاری پنج ساله

کاهش نرخ ذخیره قانونی از سال ۱۳۸۷ نشان از سیاستهای انبساطی بانک مرکزی دارد که در عین افزایش توان سودآوری بانکها، بدون تغییر پایه پولی حجم نقدینگی را در اقتصاد افزایش می دهد که البته نرخ های فوق در سال ۱۳۹۰ تثبیت شده است و این بدان معنی است که از باب نرخ ذخیره قانونی تغییری در سودآوری صنعت بانکداری شاهد نخواهیم بود.

حرکت به سمت عقود مشارکتی سیاستی بوده است که بانکها در سالهای اخیر برای جبران ضرر و زیان نرخ دستوری سود در پیش گرفته اند. اما بانک مرکزی در بسته سیاستی و نظارتی به بانکها در سال ۱۳۹۰ برای اولین بار دامنه نرخ سود مورد انتظار عقود مشارکتی قابل درج بین بانک و مشتری را بین ۱۴ و ۱۷ درصد تعیین نموده است. این موضوع نه تنها می تواند منجر به کاهش توان سودآوری بانکها شود از دو جنبه برای صنعت بانکداری قابل بررسی است:

۱- احتمال افزایش سهم درآمدهای غیر مشاع:

با کاهش نرخ سود تسهیلات و آن هم عقود مشارکتی، بانکها در جهت کاهش سهم درآمدهای مشاع از کل درآمدها به سمت فعالیتهای غیر مشاع از قبیل سرمایه گذاریها، خدمات کارمزدی و سایر خدمات از قبیل بانکداری اختصاصی سوق داده می شوند.

۲- احتمال افزایش مطالبات مشکوک الوصول:

به دلیل اینکه نرخ سود تسهیلات پرداختی بانکها از نرخ بازار آزاد پایینتر است بسیاری از تسهیلات گیرندگان تمایلی به بازپرداخت منابع بانکها از خود نشان نمی دهند، بالاتر بودن متوسط سود بازار آزاد از سود تسهیلات پرداختی در بانکها در درجه اول موجب ایجاد صف برای دریافت اعتبارات از بانکها می شود و متقاضیان نمی توانند مانند سایر کشورهای دنیا به راحتی تسهیلات دریافت کنند، علاوه بر مورد یادشده، جریمه هایی که بابت عدم بازپرداخت این تسهیلات در نظر گرفته شده یا پایین بوده یا ضمانت های دریافتی را ندارد. همچنین از آنجایی که این افراد می دانند برای دریافت تسهیلات مجدد از بانک شرایط سختی را خواهند داشت و در نتیجه باید نیاز خود را از بازار آزاد تامین کنند نسبت به بازپرداخت تسهیلات دریافتی اقدامی نمی کنند و با وجود جریمه های دیرکرد بازهم از عدم پرداخت اقساط وام های دریافتی سود می برند. در برخی موارد نیز سیاست بخشودگی جرایم افراد را تشویق می کند که وام خود را برنگردانند. اگرچه در شرایط فعلی ترکیب تسهیلات اعطایی به شکلی است که بانکها اقساط معوق تسهیلات کوچک را به راحتی وصول می کنند اما نسبت به تسهیلات میلیاردی که معوق هستند اقدام عملی انجام نمی دهند بنابراین افزایش یا کاهش نرخ سود تسهیلات در این موارد تاثیر محسوسی بر بازگشت مطالبات قبلی بانکها نخواهد داشت.

نکته مهم: بانک‌ها موظف به اخذ ذخیره عمومی و متناسب با آن شناسایی هزینه در صورت‌های مالی هستند. بنا بر بخشنامه بانک مرکزی، هر بانک باید کل تسهیلات اعطایی خود را در چهار گروه جاری، سررسید گذشته، معوق و مشکوک الوصول طبقه بندی کند. این اقدام با توجه به متغیرهای زمان، وضعیت مالی مشتری و رشته فعالیت مشتری انجام می‌شود. اخذ این ذخیره تحت عنوان هزینه مطالبات مشکوک الوصول در صورت سود و زیان انعکاس می‌یابد. البته ذکر این نکته ضروری است که بانک موظف است قبل از احتساب ذخیره خاص، ارزش وثیقه‌های مشتریان را محاسبه و آن را با اعمال ضرایبی از مانده تسهیلات کسر کند. این در حالی است که به نظر می‌رسد بانک‌ها در انجام این طبقه بندی و اخذ ذخیره با کیفیت لازم حرکت نمی‌کنند و با استمهال بسیاری از مطالبات مشکوک الوصول و بستن قرارداد جدید با مشتری مطالبات مشکوک الوصول را به مطالبات جاری تبدیل می‌نمایند. علت بند مشترک حساب‌برسان در گزارش‌های بانکها مبنی بر محدودیت حساب‌برس در اظهار نظر نسبت به کفایت میزان ذخایر خاص عمدتاً ناشی از همین مساله است. بنابراین از رقم هزینه مطالبات مشکوک الوصول در صورتهای مالی بانکها نسبت به واقعی بودن مانده مطالبات مشکوک الوصول نمی‌توان پی برد.

طبق تبصره ۳ ماده ۶ سیاستهای پولی، اعتباری و نظارتی نظام بانکی کشور در سال ۱۳۹۰ موسسات اعتباری و شرکتهای لیزینگ ملزم شدند در صورت تسویه تسهیلات عقود غیر مشارکتی قبل از سررسید تعیین شده نسبت به مدت زود پرداخت توسط مشتری، حداقل ۹۰ درصد سود مستتر در اقساط زود پرداخت را به عنوان پاداش به مشتری برگشت دهند. در حالی که قبلاً پاداش زود پرداخت اقساط مشتری توسط بانک تعیین می‌گردید این تبصره نیز تاثیر منفی بر سودآوری صنعت بانکداری خواهد داشت.

وضعیت بانک‌ها در دوران رونق اقتصادی طبیعتاً با شکوفایی و رشد توأم است در مقابل رکود در اقتصاد جهانی و داخلی منجر به کاهش انتظارات از افق رشد این صنعت (واسطه‌گری پول) در کنار افزایش ریسک عدم بازپرداخت تعهدات به نحو مناسب توسط مشتریان می‌شود. همچنین کاهش رشد نقدینگی در کشور منجر به کاهش نرخ رشد جذب سپرده توسط بانک‌ها و آهسته تر شدن آهنگ رشد شرکت‌های این صنعت خواهد شد. با داشتن انتظار مثبت در مورد رشد نقدینگی و رشد اقتصادی در سال جاری می‌توان به رشد سودآوری این صنعت خوشبین بود.

در مجموع از برآیند بسته جدید سیاستی نظارتی بانک مرکزی در جهت کاهش نرخ سود سپرده‌ها و تسهیلات و ورود بانکهای جدید به صنعت بانکداری چشم انداز رو به رشدی را در سال جدید برای بانکها متصور نخواهیم بود.

مقایسه و ارزیابی بانکهای موجود در بورس

در این قسمت ۸ بانک موجود در بورس بر اساس برخی از معیارها مورد ارزیابی و مقایسه قرار می گیرند:

معیارهای مقایسه	بانک پاسارگاد	بانک پارسیان	بانک ملت	بانک صادرات	بانک تجارت	بانک صنعت	بانک اقتصاد نوین	بانک کارآفرین	بانک سینا	پست بانک
سرمایه (میلیارد ریال)	۲۳،۱۰۰	۱۱،۰۰۰	۱۶،۰۰۰	۲۰،۱۶۴	۱۳،۵۶۹	۱۰،۸۲۲	۵،۵۰۰	۴،۵۰۰	۳،۰۰۰	۵۶۱
قیمت هر سهم (۹۰/۰۱/۱۵) (ریال)	۲۱۵۱	۳۴۵۳	۲۱۷۶	۱۳۹۳	۲۰۰۴	۲،۳۰۵	۳۳۲۴	۳۲۸۴	۳۲۳۷	۶۹۸۳
ارزش بازار (میلیارد ریال)	۴۹،۶۸۸	۳۷،۹۸۳	۳۴،۸۱۶	۲۸،۰۸۸	۲۷،۱۹۲	۲۴،۹۴۰	۱۸،۲۸۲	۱۴،۷۷۸	۹،۷۱۱	۳،۹۱۷
سود و زیان خالص (میلیارد ریال)	۴،۶۰۹	۴،۸۱۰	۴،۷۰۷	۳،۹۵۰	۳،۸۰۰	۳،۰۹۰	۲،۷۶۴	۱،۹۳۵	۱،۰۵۰	۱۸۵
سود هر سهم (سال ۸۹) (ریال)	۲۰۰	۴۳۷	۲۹۴	۲۳۵	۲۸۰	۲۸۶	۵۰۳	۶۴۵	۳۵۰	۳۳۰
نسبت P/E	۱۰،۸	۷،۹	۷،۴	۵،۹	۷،۲	۸،۱	۶،۶۱	۵،۱	۹،۲	۲۱،۲
نسبت حاشیه سود خالص (درصد)	۱۷،۴	۱۲،۷	۷،۸	۱۲،۲۸	۱۰،۲	۱۴،۸	۱۱،۹۷	۲۶،۸	۱۴،۵	۱۰،۱
نسبت کفایت سرمایه	۱۵،۹	۱۰،۳	۷،۵	۱۰،۳	۷،۳	۱۱	۱۰،۱	۱۸،۰	۱۰،۶	--

- **بانک پاسارگاد** با سرمایه ۲۳،۱۰۰ میلیارد ریال با ارزش بازار مبلغ ۴۹،۶۸۸ میلیارد ریال طبق آخرین قیمت سهام معامله شده در OTC بانک پاسارگاد بزرگترین بانک به شمار می آید.
- **بانک پارسیان** با سرمایه ۱۱،۰۰۰ میلیارد ریال به لحاظ سرمایه ثبتي در رتبه چهارم و با ارزش بازار با مبلغ ۳۷،۹۸۳ میلیارد ریال اولین بانک بورسی به شمار می آید. قیمت هر سهم این بانک با ۳۴۵۳ ریال در رتبه دوم و P/E برابر با ۷،۹ و سودآوری هر سهم به مبلغ ۴۳۷ ریال در رتبه سوم قرار دارد. در مجموع وضعیت این بانک در جدول فوق از میانگین صنعت بانکداری در بورس بالاتر است.
- **بانک ملت** با سرمایه ۱۶،۰۰۰ میلیارد ریال به لحاظ سرمایه ثبتي و ارزش بازار با مبلغ ۳۴،۷۳۶ میلیارد ریال دومین بانک بورسی به شمار می آید. قیمت هر سهم این بانک با ۲۱۷۶ ریال در رتبه پنجم و P/E برابر با ۷،۴ در رتبه چهارم و سودآوری هر سهم به مبلغ ۲۹۴ ریال در رتبه ششم قرار دارد.
- **بانک صادرات** با سرمایه ۲۰،۱۶۴ میلیارد ریال اولین بانک بورسی به شمار می آید اما به خاطر پایین ترین قیمت هر سهم ۱۳۹۳ ریال به لحاظ ارزش بازار با مبلغ ۲۸،۰۸۸ میلیارد ریال در رتبه سوم قرار دارد. این بانک با سودآوری هر سهم ۲۳۵ ریال در رتبه آخرین بانک و P/E آن با نسبت ۵،۹ تنها از بانک کارآفرین بالاتر است.

- **بانک تجارت** با سرمایه ۱۳،۵۶۹ میلیارد ریال در رتبه سوم و ارزش بازار مبلغ ۲۷،۱۹۲ میلیارد ریال در رتبه چهارم قرار دارد. اما قیمت هر سهم این بانک با ۲۰۰۴ ریال و سودآوری هر سهم آن به مبلغ ۲۸۸ ریال تنها از بانک صادرات بالاتر است. P/E این بانک با نسبت ۷،۲ در رتبه پنجم قرار دارد.
 - **بانک اقتصاد نوین** با سرمایه ۵،۵۰۰ میلیارد ریال و ارزش بازار ۱۹،۴۲۶ میلیارد ریال در رتبه پنجم قرار دارد. اما قیمت هر سهم این بانک با ۳۳۲۴ ریال در رتبه سوم و سودآوری هر سهم ۵۰۳ ریال در رتبه دوم قرار دارد. P/E این بانک با نسبت ۶،۶۱ تنها از بانکهای صادرات و کارآفرین بالاتر است.
 - **بانک کارآفرین** با سرمایه ۴،۵۰۰ میلیارد ریال و ارزش بازار ۱۴،۷۷۸ میلیارد ریال در رتبه ششم قرار دارد. اما قیمت هر سهم این بانک با ۳۲۸۴ ریال در رتبه چهارم و سودآوری هر سهم ۶۴۵ ریال در رتبه اول قرار دارد. این بانک با نسبت P/E برابر با ۵،۱ از کمترین نسبت P/E برخوردار است.
 - **بانک سینا** با سرمایه ۳،۰۰۰ میلیارد ریال در رتبه هفتم و ارزش بازار ۹،۷۱۱ میلیارد ریال در رتبه هفتم قرار دارد. قیمت هر سهم این بانک با ۳۲۳۷ ریال در رتبه پنجم و سودآوری هر سهم ۳۵۰ ریال در رتبه چهارم قرار دارد. این بانک با نسبت P/E برابر با ۹،۲ بعد از پست بانک از بالاترین نسبت P/E برخوردار است.
 - **پست بانک** با سرمایه ۵۶۱ میلیارد ریال و ارزش بازار ۳،۹۱۷ میلیارد ریال به عنوان کوچکترین بانک بورسی محسوب می شود. در عین حال که سودآوری هر سهم این بانک ۳۳۰ ریال در رتبه پنجم قرار دارد قیمت هر سهم با ۶۹۸۳ ریال و نسبت P/E برابر با ۲۱،۲ این بانک در رتبه اول قرار دارد.
- در جدول زیر اطلاعات مقایسه ای جدول بالا به صورت رتبه هر بانک در بین ۸ بانک آورده شده است:

رتبه معیارهای مقایسه	بانک پارسیان	بانک ملت	بانک صادرات	بانک تجارت	بانک اقتصاد نوین	بانک کارآفرین	بانک سینا	پست بانک
سرمایه	۴	۲	۱	۳	۵	۶	۷	۸
قیمت هر سهم	۲	۶	۸	۷	۳	۴	۵	۱
ارزش بازار	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
سود و زیان پس از کسر مالیات	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
سود هر سهم	۳	۶	۸	۷	۲	۱	۴	۵
نسبت P/E	۳	۴	۷	۵	۶	۸	۲	۱
نسبت حاشیه سود خالص	۳	۸	۴	۶	۵	۱	۲	۷

در ادامه برخی از شاخص های مالی در بین بانکها به صورت دقیق تر مقایسه شده است:

۱- حجم و ترکیب درآمدها:

در جدول زیر مبالغ پیش بینی جمع درآمدها و تفکیک درآمدها برای سال ۱۳۸۹ آورده شده است:

پست بانک		بانک کارآفرین		بانک سینا		بانک اقتصاد نوین		بانک صادرات		بانک تجارت		بانک پارسیان		بانک ملت		حجم و ترکیب درآمدها (میلیارد ریال)
۶۳	۱.۱۶۵	۷۳	۵.۲۷۹	۸۴	۶۰.۴۰	۸۰	۱۸.۴۶۹	۴۵	۱۴.۵۸۷	۷۵	۲۷.۸۹۶	۹۰	۳۳.۹۹۳	۶۷	۴۰.۵۱۷	درآمد حاصل از تسهیلات اعطایی
۰	۰	۲	۱۲۹	۹	۶۵۸	۲	۳۷۰	۰	۱۲	۰	۵۳	۱	۵۲۷	۲	۱.۴۸۷	درآمد سرمایه گذاریها و مشارکتها
۴	۷۲	۱۴	۱.۰۰۲	۳	۲۱۶	۳	۷۹۹	۵	۱.۷۶۸	۵	۱.۸۸۴	۴	۱.۳۶۸	۳	۲.۰۰۱	درآمد حاصل از سپرده گذاریها
۳۳	۶۰.۱	۱۱	۸۱۴	۴	۳۱۲	۱۵	۳.۴۵۴	۴۹	۱۵.۷۹۷	۲۰	۷.۴۹۶	۵	۲۰.۲۲	۲۷	۱۶.۵۲۸	خالص درآمدهای غیر مشاع
۱۰۰	۱.۸۳۸	۱۰۰	۷.۲۲۴	۱۰۰	۷.۲۲۶	۱۰۰	۲۳.۰۹۳	۱۰۰	۳۲.۱۶۴	۱۰۰	۳۷.۳۲۹	۱۰۰	۳۷.۹۱۰	۱۰۰	۶۰.۵۳۳	جمع درآمدها
۲.۱۳		۲.۰۵		۱.۳۴		۰.۷۹		۰.۸۷		۰.۷۳		۱.۰۰		۰.۵۸		نسبت ارزش بازار به جمع درآمدها

پست بانک		بانک کارآفرین		بانک سینا		بانک اقتصاد نوین		بانک صادرات		بانک تجارت		بانک پارسیان		بانک ملت		ترکیب درآمدهای غیر مشاع (میلیارد ریال)
۰	۰	۳۱	۲۵۶	۰	۰	۶۱	۲.۱۲۱	۶۷	۱۰.۶۲۷	۲۸	۲.۰۹۳	۶۹	۱.۴۰۳	۵۰	۸.۲۷۱	سود تسهیلات اعطایی
۹۶	۵۷۸	۴۵	۳۶۶	۹۷	۳۰.۲	۳۵	۱.۲۰۴	۱۷	۲.۶۷۰	۴۹	۳.۶۶۶	۲۴	۴۹۲	۳۳	۵.۴۷۴	درآمد کارمزد
۰	۰	۸	۶۴	۰	۰	۱	۳۹	۵	۸۲۴	۹	۶۸۸	۶	۱۲۰	۱۱	۱.۸۶۳	نتیجه مبادلات ارزی و تسعیر ارز
۴	۲۳	۱۶	۱۲۸	۳	۱۰	۳	۹۱	۱۱	۱.۶۷۶	۱۴	۱.۰۴۹	۰	۸	۶	۹۲۰	سایر درآمدها
۱۰۰	۶۰.۱	۱۰۰	۸۱۴	۱۰۰	۳۱۲	۱۰۰	۳.۴۵۴	۱۰۰	۱۵.۷۹۷	۱۰۰	۷.۴۹۶	۱۰۰	۲۰.۲۲	۱۰۰	۱۶.۵۲۸	جمع درآمدهای غیر مشاع

طبق جدول فوق بانک ملت بیشترین درآمد را برای سال ۱۳۸۹ پیش بینی نموده از این منظر بانک پارسیان و تجارت در رتبه های بعدی قرار دارند. به لحاظ ارزش ریالی درآمدهای غیر مشاع، بانک ملت و به لحاظ سهم درآمدهای غیر مشاع از کل درآمدها بانک صادرات در رتبه اول بانکهای مورد ارزیابی قرار دارند، با مقایسه نسبت ارزش بازار به جمع درآمدهای پیش بینی سال ۱۳۸۹ می توان گفت که بانک ملت در بازار ارزان ترین بانک و پست بانک گران ترین بانک ارزش گذاری شده است.

۲- حجم و نحوه جذب سپرده ها:

در جدول زیر مبالغ پیش بینی حجم سپرده ها و سایر معیارهای مربوط برای سال ۱۳۸۹ آورده شده است:

پست	بانک	بانک	بانک	بانک	بانک	بانک	بانک	جذب سپرده (ارقام به میلیارد ریال)
بانک	کارآفرین	سینا	اقتصاد نوین	تجارت	پارسیان	صادرات	ملت	
۱۲،۰۱۲	۳۴،۹۹۰	۳۹،۰۰۰	۱۵۰،۰۰۰	۱۹۸،۶۴۹	۲۲۳،۸۹۸	۲۴۵،۷۵۰	۶۰۸،۵۹۳	جمع کل سپرده ها (ریالی و ارزی)
۳۸۷	۴،۱۳۲	۴،۳۹۰	۱۶،۵۳۹	۱۹،۲۵۰	۲۸،۷۳۷	۱۳،۹۰۶	۳۰،۹۹۳	سود پرداختی به سپرده های سرمایه گذاری
۳،۲۲	۱۱،۸۱	۱۱،۲۶	۱۱،۰۳	۹،۶۹	۱۲،۸۳	۵،۶۶	۵،۰۹	نسبت سود پرداختی به سپرده های سرمایه گذاری به جمع کل سپرده ها
۰،۳۳	۰،۴۲	۰،۲۵	۰،۱۲	۰،۱۴	۰،۱۷	۰،۱۱	۰،۰۶	نسبت ارزش بازار به جمع سپرده ها

طبق جدول فوق بانک ملت بیشترین جذب سپرده را برای سال مالی ۱۳۸۹ پیش بینی نموده است. از این منظر بانک صادرات و پارسیان در رتبه های بعدی قرار دارند. این بانک اگرچه بالاترین مبلغ سود پرداختی را به سپرده های سرمایه گذاری خود داده است اما توجه به نسبت سود پرداختی به سپرده های سرمایه گذاری به جمع کل منابع، نشان می دهد که بانک ملت به ارزان قیمت ترین منابع و بانک پارسیان به گران قیمت ترین منابع نسبت به سایر بانکها دسترسی دارند.

همانند معیار قبلی با مقایسه نسبت ارزش بازار به جمع کل سپرده های پیش بینی شده سال ۱۳۸۹ بانکها می توان گفت بانک ملت در بازار ارزان ترین و بانک کارآفرین گران ترین بانک ارزش گذاری شده است.

۳- نحوه تسهیلات اعطایی:

در جدول زیر مبالغ پیش بینی تسهیلات اعطایی و سایر معیارهای مربوط برای سال ۱۳۸۹ آورده شده است:

پست	بانک	بانک	بانک	بانک	بانک	بانک	بانک	تسهیلات اعطایی (ارقام به میلیارد ریال)
بانک	کارآفرین	سینا	اقتصاد نوین	صادرات	پارسیان	تجارت	ملت	
۹،۴۰۵	۲۴،۵۷۲	۳۶،۰۱۵	۱۱۶،۸۳۷	۱۷۲،۴۲۹	۱۷۵،۰۱۱	۲۴۵،۵۴۱	۳۴۵،۰۵۷	حجم تسهیلات پس از کسر م م ل
۱،۱۶۵	۵،۵۳۵	۶،۰۴۰	۲۰،۵۹۰	۲۵،۲۱۴	۳۵،۳۹۶	۲۹،۹۸۹	۴۸،۷۸۸	جمع درآمد حاصل از تسهیلات اعطایی
۱۲،۴	۲۲،۵	۱۶،۸	۱۷،۶	۱۴،۶	۲۰،۲	۱۲،۲	۱۴،۱	نرخ متوسط سود تسهیلات اعطایی
۴۵	۱۶۱	۵۴۷	۱،۲۶۶	۱،۲۴۵	۱،۳۱۸	۳،۵۲۵	۳،۱۹۲	هزینه مطالبات مشکوک الوصول
۰،۴۷	۰،۶۶	۱،۵۲	۱،۰۸	۰،۷۲	۰،۷۵	۱،۴۴	۰،۹۳	درصد هزینه مطالبات مشکوک الوصول به حجم تسهیلات
۰،۷۸	۰،۷۰	۰،۹۲	۰،۷۸	۰،۷۰	۰،۷۸	۱،۲۴	۰،۵۷	نسبت تسهیلات به سپرده ها

نکته ۱: در جدول فوق نرخ متوسط سود تسهیلات اعطایی که از تقسیم جمع سود تسهیلات اعطایی بر حجم تسهیلات پس از کسر ذخیره مطالبات مشکوک الوصول بدست آمده است با نرخ موثر تسهیلات اعطایی (به دلیل تفاوت در محاسبات) برابر نیست اما می تواند معیاری برای مقایسه توان سود آوری از تسهیلات بین بانکها باشد.

نکته ۲: محاسبه هزینه مطالبات مشکوک الوصول در بانکها طبق دستورالعمل طبقه بندی دارایی های موسسات اعتباری و نحوه محاسبه ذخیره مطالبات، بخشنامه شماره مب/ ۲۸۲۳/ بانک مرکزی ابلاغیه در تاریخ ۱۳۸۵/۱۲/۰۵ انجام می شود.

بانک ملت به لحاظ حجم تسهیلات پس از کسر ذخیره مطالبات مشکوک الوصول، جمع درآمد حاصل از تسهیلات اعطایی در رتبه اول قرار دارد بانکهای تجارت، پارسیان و صادرات در رتبه های بعدی قرار دارند. از نظر نرخ متوسط تسهیلات اعطایی بانکهای کارآفرین، پارسیان و اقتصاد نوین به ترتیب در رتبه های اول تا سوم و بانکهای ملت، پست بانک و تجارت در رتبه های آخر جای گرفته اند.

نرخ متوسط تسهیلات اعطایی پایین بانک تجارت می تواند نشان از این امر داشته باشد که نسبت به بانک کارآفرین از عقود مبادله ای نسبت به عقود مشارکتی بیشتر استفاده می کند و بیشتر تحت فشار دولت برای اعطای تسهیلات تکلیفی قرار دارد اما با مقایسه درصد هزینه مطالبات مشکوک الوصول به حجم تسهیلات بالای این بانک نیز نسبت به سایر بانکها به مدیریت نامناسب بانک تجارت در اعطای تسهیلات (با نرخ سود و احتمال بازگشت پایین) می توان پی برد.

۴- مقدار و ترکیب هزینه ها:

در جدول زیر مبالغ پیش بینی هزینه اداری و پرسنلی، هزینه مطالبات مشکوک الوصول و نسبت حاشیه سود خالص برای سال ۱۳۸۹ آورده شده است:

هزینه ها (ارقام به میلیارد ریال)	بانک ملت	بانک تجارت	بانک صادرات	بانک پارسیان	بانک اقتصاد نوین	بانک سینا	پست بانک	بانک کارآفرین
هزینه پرسنلی اداری و تشکیلاتی و سایر	۱۵,۴۰۲	۸,۸۶۳	۶,۱۸۹	۲,۱۶۴	۱,۶۸۵	۷۳۵	۷۱۵	۶۱۶
درصد از کل درآمدها	۲۵,۴	۲۳,۷	۱۹,۴	۵,۷	۷,۳	۱۰,۲	۴۲,۲	۸,۵
هزینه مطالبات مشکوک الوصول	۳,۱۹۲	۳,۳۶۶	۱,۲۴۵	۱,۳۱۸	۱,۲۶۶	۵۴۷	۴۵	۱۶۱
درصد از کل درآمدها	۵,۳	۹,۰	۳,۹	۳,۵	۵,۵	۷,۶	۲,۶	۲,۲
نسبت حاشیه سود خالص (درصد)	۶,۶۹	۷,۷۳	۱۲,۱۴	۱۰,۹۳	۱۰,۹۳	۱۰,۹۳	۱۰,۹۳	۱۰,۹۳

مقایسه ارقام فوق نشان می دهد بانکهای پارسیان، اقتصاد نوین و کارآفرین از نظر کنترل هزینه ها و نسبت حاشیه سود خالص بهتر از بانکهای دیگر عمل نموده است. از این منظر وضعیت بانک صادرات بهتر از دو بانک ملت و تجارت است.

۵- کارایی شعب و پرسنل:

در جدول زیر تعداد پرسنل و شعب و معیارهای کارایی پرسنل و شعب مقایسه شده است:

کارایی شعب و پرسنل (ارقام به میلیون ریال)	بانک صادرات	بانک ملت	بانک تجارت	بانک پارسیان	پست بانک	بانک سینا	بانک اقتصاد نوین	بانک کارآفرین
تعداد شعب	۲،۹۱۹	۱،۸۱۹	۱،۹۰۶	۳۰۰	۴۰۵	۲۸۰	۲۶۱	۸۴
متوسط جذب سپرده هر شعبه	۸۴،۱۹۰	۳۳۴،۵۷۶	۱۰۴،۲۲۳	۷۴۶،۳۲۷	۲۹،۶۵۹	۱،۳۴۲،۴۰۰	۳۷۱،۵۲۱	۱،۶۸۳،۳۶۹
متوسط اعطای تسهیلات هر شعبه	۵۹،۰۷۱	۱۸۹،۶۹۶	۱۲۸،۸۲۵	۴۸۶،۳۷۸	۲۰،۹۶۴	۱۲۸،۶۲۵	۴۴۷،۶۵۱	۲۹۲،۵۲۴
متوسط درآمد هر شعبه	۱۰،۹۵۰	۳۳،۲۷۸	۱۹،۵۸۵	۱۲۶،۳۶۷	۴،۱۸۰	۲۵،۸۰۷	۸۸،۴۷۷	۸۵،۹۹۲
هزینه اداری هر شعبه	۲،۱۲۰	۸،۴۶۷	۴،۶۵۰	۷،۲۱۳	۱،۷۶۶	۲،۶۲۵	۶،۴۵۶	۷،۳۳۰
متوسط سود هر شعبه	۱،۳۵۳	۱،۹۹۳	۱،۵۷۹	۱۶،۰۳۲	۴۵۷	۳،۷۵۰	۱۰،۵۹۰	۲۳،۰۳۶
متوسط ارزش بازار هر شعبه	۱۰	۱۹	۱۴	۱۲۷	۱۰	۳۵	۷۰	۱۷۶
تعداد پرسنل	۲۷،۴۳۵	۲۳،۹۳۹	۲۱،۰۱۰	۴،۴۸۷	۲،۸۰۹	۲،۲۲۵	۲،۴۶۳	۱،۴۷۳
متوسط جذب سپرده هر نفر	۸،۹۵۸	۲۵،۴۲۳	۹،۴۵۵	۴۹،۸۹۹	۴،۲۷۶	۱۶۸،۹۳۱	۳۹،۳۶۹	۹۵،۹۹۷
متوسط اعطای تسهیلات هر نفر	۶،۲۸۵	۱۴،۴۱۴	۱۱،۶۸۷	۳۲،۵۱۹	۳،۰۲۳	۱۶،۱۸۶	۴۷،۴۳۷	۱۶،۶۸۲
متوسط درآمد به ازای هر نفر	۱،۱۶۵	۲،۵۲۹	۱،۷۷۷	۸،۴۴۹	۶۰۳	۳،۲۴۸	۹،۳۷۶	۴،۹۰۴
سرانه هزینه اداری و پرسنلی هر نفر	۲۲۶	۶۴۳	۴۲۲	۴۸۲	۲۵۵	۳۳۰	۶۸۴	۴۱۸
متوسط سود به ازای هر نفر	۱۴۴	۱۵۱	۱۴۳	۱۰،۷۲	۶۶	۴۷۲	۱،۱۲۲	۱۰،۳۱۴

بانک صادرات با دارا بودن ۲،۹۱۹ شعبه و ۲۷،۴۳۵ نفر پرسنل از بالاترین تعداد شعبه و پرسنل برخوردار است در عین حال که سرانه هزینه اداری و پرسنلی شعب و پرسنل این بانک از سایر بانکها پایین تر است، کارایی شعب و پرسنل این بانک به لحاظ جذب سپرده، اعطای تسهیلات و ساختن سود ناکارترین شعب و پرسنل را دارا است. تعداد بالای شعب و پرسنل نسبتاً کم هزینه بانک صادرات علاوه بر بالا بودن داراییهای ثابت بانک نشان از آن دارد که بهبود مدیریت در این بانک می تواند در بلندمدت پتانسیل های رشد سودآوری بانک را نسبت به سایر بانکها افزایش دهد.

شعب و پرسنل بانکهای کارآفرین، پارسیان و اقتصاد نوین نسبت به سایر بانکها به ترتیب جزء کارآترین بانکهای بورسی محسوب می شوند. اگرچه ملکی یا استیجاری بودن شعب بر ارزش واقعی بانک تاثیر خواهد داشت با تقسیم ارزش بازار به شعب هر بانک به این نتیجه می رسیم که بازار سرمایه نیز به هر شعبه بانکهای کارآفرین، پارسیان و اقتصاد نوین قیمت بالاتری داده است.